

The role of macroeconomic factors on the development of entrepreneurship

Malihe, Ashena^{1✉} | Soheil, Vosoughi² | Esmaeel, Hoshyarmoghadam³

1. Assistant Professor of Economics, University of Bozorgmehr, Qaen, Iran. (Corresponding author). ashena@buqaen.ac.ir

2. Manager of Qaen Technology Development Center, South Khorasan Science and Technology Park, Qaen, Iran.

soheil_vosoughi@yahoo.com

3. Director of Birjand Growth Center, Birjand, Iran. esmaeel.hm@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 29 April 2023 Received in revised form: 4 November 2023 Accepted: 18 December 2023 Published online: 31 December 2023 Keywords: Macroeconomics, Entrepreneurship, Financial credits, Inflation, Government policies	Macroeconomic conditions are important in the start-up, performance, development and sustainability of businesses. Some concepts related to economic conditions affecting entrepreneurial activities include economic recession and boom conditions, inflation level, monetary and credit policies, financial policies and government expenses, and economic instability. Changes in economic conditions may cause changes in decision-making in starting or continuing businesses. Therefore, awareness of the relationship between entrepreneurial activities and macroeconomic performance is inevitable for entrepreneurship researchers and policy makers. In this study, in order to investigate economic environment factors on the development and sustainability of entrepreneurial activities, the data of 20 developing countries during the years 2009-2019 have been used. Using panel data and the method of generalized moments in panel data, the relationship between variables was analyzed. The results of the research show that government expenditures in the education sector and the number of credits granted to the private sector have a significant and positive effect on the entrepreneurship index. While economic growth has no significant relationship with the level of entrepreneurship. Also, the level of inflation and interest rate has a positive effect on the entrepreneurship index, so that from the point of view of entrepreneurs, the presence of liquidity and increased demand, as well as the supply of more financial resources, is preferable to reducing their costs.

Cite this article: Ashena, Malihe; Vosoughi, Soheil; & Hoshyar Moghadam, Esmaeel. (2023). The role of macroeconomic factors on the development of entrepreneurship. *Journal of Innovation Ecosystem*, 3 (4), 37-53.

DOI: 10.22111/INNOECO.2023.44081.1041



© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

نقش عوامل کلان اقتصادی بر توسعه کارآفرینی

ملیحه آشنا^۱ | وثوقی، سهیل^۲ | هشیارمقدم، اسماعیل^۳

۱. استادیار اقتصاد، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران (نویسنده مسئول). ashena@buqaen.ac.ir

۲. مدیر مرکز رشد واحدهای فناور قائن، پارک علم و فناوری خراسان جنوبی، قائن، ایران. soheil_vosoughi@yahoo.com

۳. مدیر مرکز رشد بیرجند، بیرجند، ایران. esmaeel.hm@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۹ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ واژه‌های کلیدی: اقتصاد کلان، کارآفرینی، اعتبارات مالی، تورم، سیاست‌های دولت	شرایط اقتصاد کلان در راه‌اندازی، عملکرد، توسعه و پایداری کسب و کارها دارای اهمیت است. برخی مفاهیم مرتبط با شرایط اقتصادی اثر گذار بر فعالیت‌های کارآفرینی شامل شرایط رکود و رونق اقتصادی، سطح تورم، سیاست‌های پولی و اعتباری، سیاست‌های مالی و هزینه‌های دولت، و بی‌ثباتی اقتصادی است. تغییر شرایط اقتصادی ممکن است باعث تغییرات تصمیم‌گیری در شروع یا ادامه کسب و کارها شود. بنابراین، آگاهی از ارتباط بین فعالیت‌های کارآفرینی و عملکرد اقتصاد کلان برای محققان و سیاست‌گذاران کارآفرینی اجتناب‌ناپذیر است. در این مطالعه، به منظور بررسی عوامل محیطی کلان بر توسعه و پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه از داده‌های ۲۰ کشور درحال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ استفاده شده است. با استفاده از داده‌های پانل و روش گشتاورهای تعمیم یافته در داده‌های پانل رابطه بین متغیرها تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هزینه‌های دولت در بخش آموزش، و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر مثبت و قابل ملاحظه‌ای بر شاخص کارآفرینی دارد. در حالی که رشد اقتصادی رابطه معنی‌داری با میزان کارآفرینی ندارد. همچنین، سطح تورم و نرخ بهره اثر مثبت بر شاخص کارآفرینی دارد، به طوری که از دیدگاه کارآفرینان وجود نقدینگی و افزایش تقاضا و نیز عرضه بیشتر منابع مالی به کاهش هزینه‌های آن‌ها ارجحیت دارد.
استناد: ملیحه، آشنا؛ وثوقی، سهیل؛ و هشیارمقدم، اسماعیل. (۱۴۰۲). نقش عوامل کلان اقتصادی بر توسعه کارآفرینی. مطالعات زیست‌بوم/اقتصاد نوآوری، ۳(۴)، ۳۹-۵۳. DOI: 10.22111/INNOECO.2023.44081.1041	
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان © نویسندگان	

مقدمه

کارآفرینی بخش مهمی از نظام اقتصادی است که آثار مهمی بر رشد و توسعه هر کشور دارد. بنابراین، مطالعات بسیاری نقش شرکت‌های کارآفرین در عملکرد سیستم‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهند (زارنیوفسکی^۱، ۲۰۱۶ و دوماناسکا و زاپکوفسکی^۲، ۲۰۱۸). کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت مظهر صنعتی شدن مدرن بوده است و مردم به سرعت با مفهوم کارآفرینی و نوآوری سازگار می‌شوند. دو عامل موفقیت هر فعالیت کارآفرینی، سازگاری با نوآوری و جریان مستمر سرمایه است. اما عوامل متعددی بر این دو عامل تأثیر می‌گذارند که عمدتاً ناشی از تأمین مالی و هزینه‌هاست. این کسب‌وکارها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند و ماهیت آن‌ها موجب می‌شود تا موقعیت خاصی در سیستم اقتصادی داشته باشند. از یک سو، کسب و کارهای کارآفرین نوپا به طور کلی منابع مالی محدودی دارند که بر مدیریت این شرکت‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. از سوی دیگر، ویژگی آن‌ها موجب می‌شود انعطاف زیادی در واکنش به تغییراتی که در سیستم اقتصادی رخ می‌دهد، نشان دهند (ویرگلرووا^۳ و همکاران، ۲۰۱۷ و کلادکووا^۴، ۲۰۱۵). محیط فعالیت کسب و کار شامل جنبه‌های مختلفی است که بر عملکرد کارآفرینی اثر می‌گذارد. تحلیل محیط کلان به عنوان ابزاری در مدیریت استراتژیک مطرح می‌شود که اطلاعات مناسبی نسبت به عوامل محیطی را فراهم می‌سازد. از این رو، درک و آگاهی از ارتباط بین فعالیت‌های کارآفرینی و عملکرد اقتصاد کلان در اقتصادهای در حال توسعه برای محققان و سیاست‌گذاران کارآفرینی اجتناب ناپذیر است (کائو و شی^۵، ۲۰۲۱).

از موضوعات مهمی که به طور گسترده در اقتصاد کلان مطرح است، انتخاب سیاست‌ها و ابزارهای مناسب در راستای بهبود فضای کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی است. تلاش دولت‌ها در اقتصادهای پیشرو همواره در ارائه تسهیلات و کاهش قیمت تمام شده منابع مالی و تأمین مالی بنگاه‌ها و شرکت‌ها برای انجام پروژه‌ها بوده و نتیجه آن، رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال و توسعه پایدار است. آگاهی از نحوه تأثیر سیاست‌هایی مانند سیاست مالی، پولی و اعتباری بر اقتصاد کلان و شرایط کسب و کارها، راهنمای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای تصمیم‌گیری است. از این رو، این مقاله به بررسی عوامل اقتصادی مهم اثرگذار بر محیط کسب‌وکارها و شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه می‌پردازد و اهمیت و میزان شدت آن‌ها را تعیین می‌کند. سیاست‌های اقتصادی مانند کنترل تورم، هزینه‌های دولت در بخش آموزش یا سیاست‌های پولی و اعتباری در مدیریت کشور و برنامه‌های اقتصادی در ایجاد فضای کسب و کار جایگاه ویژه‌ای دارند. به عنوان مثال استفاده از اعتبارات، در سرمایه‌گذاری‌های جدید، و یا در تأمین سرمایه در گردش، منجر به افزایش تولید و اشتغال و بهبود شرایط فعالیت اقتصادی می‌شود. دخالت در میزان و چگونگی اعطای وام از بانک‌های تجاری بر حسب فعالیت‌های اقتصادی، تعیین سقف مجاز اعطای وام، تعیین درصد مجاز افزایش سالانه وام و ... از جمله ابزارهای سیاست‌های اعتباری هستند. اگر چه هدف اصلی از اجرای این سیاست‌ها ایجاد ثبات اقتصادی است اما به هر حال هر گونه تغییر در شرایط موجود ممکن است بر وضعیت اقتصادی و در نتیجه بر شروع

¹ Czarniewski

² Domańska & Zajkowski

³ Virglerova

⁴ Chládková

⁵ Cao & Shi

فعالیت‌های کسب و کارها بخصوص کارآفرینی اثرگذار باشد. بنابراین، سیاست‌های اعتباری مرتبط با تسهیلات بانکی بر راهکارهای استراتژی مدیریت مالی کسب و کارها اثر گذاشته و شاخص کارآفرینی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به مطالب بیان شده، آثار محیط اقتصاد کلان بر فعالیت کارآفرینی و تداوم کسب و کارها دارای اهمیت است. در این راستا نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم به عنوان مهم‌ترین متغیرهای کلان و نیز میزان هزینه‌های دولت در بخش آموزش و میزان اعتبارات اعطایی و نرخ بهره به عنوان سیاست‌های کلان می‌تواند در انتقال آثار فضای اقتصادی بر کارآفرینی و تداوم آن فعالیت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. بنابراین، هدف این تحقیق بررسی چگونگی واکنش فعالیت کارآفرینی به تغییرات محیط کلان اقتصادی است. داده‌های مورد استفاده تحقیق حاضر طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ و بر مبنای اطلاعات ۲۰ کشور منتخب با درآمد متوسط و پایین بوده است.

ساختار مقاله به این ترتیب است که در بخش دوم مبانی نظری، در بخش سوم الگوی تحقیق و در بخش چهارم داده‌ها و تحلیل نتایج ارائه شده است و نتیجه‌گیری در بخش پنجم بیان شده است.

ادبیات و پیشینه پژوهش

پرنس^۱ و همکاران (۲۰۲۱) تعاریف مربوط به کارآفرینی را در پنج زمینه نااطمینانی، تشخیص فرصت، ایجاد کسب و کار، نوآوری، و خلق ارزش تقسیم‌بندی کردند. این دسته‌بندی دیدگاه‌ها و زمینه‌های بی‌شمار در حوزه کارآفرینی شامل اقتصاد، تجارت، مدیریت، روانشناسی و جامعه‌شناسی را در بر دارد. آدیبه^۲ (۲۰۱۸) کارآفرینی را معرفی یک فعالیت اقتصادی جدید بیان می‌کند که به تغییر در بازار برای بهبود استاندارد زندگی مردم منجر می‌شود. نظریه شین که به عنوان کاملترین نظریه در حوزه کارآفرینی شناخته شده است در تمامی حوزه‌ها و عوامل (فردی، تشخیص فرصت، سازمانی، محیطی و موضوعات فرایندی) مطالعاتی به صورت مفهومی، نظری و تجربی انجام داده است (شان^۳، ۲۰۰۸). عدم وجود معیار واحد در مورد تعریف کارآفرینی، محققان تجربی را به استفاده از معیارهای مختلف فعالیت کارآفرینانه سوق داده است، که نتایج مختلف را موجب می‌شود (آکس و مولر^۴، ۲۰۰۸). یکی از متغیرهای مد نظر کارآفرینی، میزان ورود و خروج کسب و کارها است (ونکرز^۵، ۲۰۰۸). همچنین مجموعه‌ای از داده‌ها مربوط به کارآفرینی توسط سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۶ با استفاده از روش‌های مختلف، اندازه‌گیری و ارائه می‌شود که در برخی مطالعات نیز استفاده شده است (کری و توریک^۷، ۲۰۱۰).

¹ Prince

² Adeyeye

³ J Shane

⁴ Acs & Mueller

⁵ Wennekers

⁶ Global Entrepreneurship Monitor

⁷ Carree & Thurik



شکل ۱: شرایط چارچوب کارآفرینی

در ادامه مطابق با شکل (۱) شرایط چارچوب کارآفرینی بیان می شود که با توجه به آن می توان برخی متغیرهای مهم و اثرگذار بر کارآفرینی را مشخص کرد. بر مبنای مدل مفهومی رینولد و همکاران (۲۰۰۵) و مفاهیم مربوط به سازمان دیدمبان جهانی کارآفرینی، شرایط چارچوب کارآفرینی^۲ (EFC) شامل زیربخش های مختلفی است. این زیرمجموعه از مدل GEM شرایطی را در نظر می گیرد که به فعالیت کارآفرینی در یک کشور کمک می کند یا مانع آن می شود (سوبل^۳، ۲۰۰۸).

۲-۱-۱. محیط مالی

ادبیات موجود نشان می دهد که دسترسی به منابع مالی مهم ترین تنظیم کننده ای است که فعالیت کارآفرینی را در یک اکوسیستم کنترل می کند. به عنوان یک قاعده، مقداری سرمایه گذاری اولیه برای شروع یک فعالیت کارآفرینانه مورد نیاز است و در دسترس بودن اعتبار بانکی یا ارائه دهندگان سهام خصوصی برای حمایت از کارآفرینی دارای اهمیت است. بنابراین فعالیت کارآفرینی در هر کشوری به پیچیدگی سیستم های اعتباری و وام دهی بستگی دارد (لینستین^۴، ۱۹۸۶). این تحقیقات باعث شده است که سیاست گذاران دسترسی به منابع مالی را به عنوان هدف مهم سیاست کارآفرینی در نظر بگیرند. در برخی مطالعات عدم دسترسی به منابع مالی توسط کارآفرینان به عنوان یک مانع بزرگ برای شروع یک کسب و کار جدید شناخته شده است (چو و وانگ^۵، ۲۰۰۶، رابرتسون^۶ و همکاران، ۲۰۰۳).

۲-۱-۲. سیاست دولت

¹ Reynolds

² Entrepreneurial Framework Conditions

³ Sobel

⁴ Leibenstein

⁵ Choo & Wong

⁶ Robertson

یک اجماع کلی وجود دارد که کارآفرینی یک پدیده ملی است که می‌تواند توسط سیاست‌گذاران در سطوح ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. افزایش آگاهی و تلاش سیاست‌گذار برای تأثیرگذاری مثبت بر فعالیتهای کارآفرینی به طور گسترده مورد تأیید قرار گرفته است (آدریسج^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). اکثر اقتصادهای نوآورانه دارای سیاست‌های دولتی هستند که از کارآفرینی حمایت می‌کند. بنابراین اهمیت مداخله سیاست در تغییر فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد (استوری^۲، ۲۰۰۳). سیاست‌های دولت در مورد مالیات، و فرآیندهای اداری موانع رایج در برابر فعالیتهای کارآفرینی هستند (آکس و همکاران، ۲۰۰۸). مقررات طولانی و دست‌وپاگیر و تأخیر در سرمایه‌گذاری ممکن است زمان راه‌اندازی را افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های مالیاتی نیز نقش مهمی در ایجاد انگیزه برای فعالیت کارآفرینی دارد. همچنین، برنامه‌های دولتی به پرورش کارآفرینان از طریق ارائه خدمات حرفه‌ای مشاوران، حسابداران، بانکداران، وکلا و مشاوران اشاره دارد. این برنامه‌های دولتی مبتنی بر پر کردن شکاف در دسترسی منابع و شایستگی‌های کارآفرینان است. این خدمات با نرخ یارانه‌ای از طریق اتاق‌های تجاری دولتی یا برنامه‌های شتاب ارائه می‌شوند، بنابراین هزینه مبادله را به حداقل می‌رساند و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد (کچنینگ و نیلسن^۳، ۲۰۰۴).

۲-۱-۳. آموزش کارآفرینی - در مرحله مدرسه و بعد از مدرسه

آموزش و آموزش کارآفرینی برنامه‌ای است که به طور گسترده توسط دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی خصوصی به منظور تقویت فعالیتهای کارآفرینی در یک کشور مورد تحقیق و اجرا قرار گرفته است. آموزش کارآفرینی در مرحله مدرسه به توسعه ذهنیت جوانان برای پذیرش کارآفرینی به عنوان یک گزینه شغلی کمک می‌کند. در حالی که آموزش و آموزش کارآفرینی در مرحله بعد از مدرسه از طریق شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها بر تقویت فعالیت کارآفرینی متمرکز است (پیترمن و کندی^۴، ۲۰۰۳).

۲-۱-۴. پویایی بازار داخلی

پویایی بازار یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که از توانایی ریسک‌پذیری کارآفرینان استفاده می‌کند. این متغیر توسط نظریه‌های قبلی به عنوان یک عامل محرک در فعالیت کارآفرینی شناخته شده است. پویایی بازار در واقع سرعت تغییرات در بازار را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد. بازارهایی که با نرخ‌های بالاتری از تغییر و عدم قطعیت مشخص می‌شوند، فرصت‌های بهتری را برای کارآفرینان با ریسک عدم قطعیت فراهم می‌کنند (نادکارنی و نارایان^۵، ۲۰۰۷).

۲-۱-۵. سایر عوامل زیرساختی، نهادی و اجتماعی

برخی عوامل مانند زیرساخت انتقال دانش، زیرساخت تجاری، حقوقی و زیرساخت‌های فیزیکی نیز از عوامل مؤثر بر فعالیت کارآفرینی هستند. در بحث انتقال دانش کشورهای که هزینه انتقال تحقیق و توسعه پایینی دارند، احتمالاً سطوح بالاتری از فعالیت کارآفرینی دارند. خدمات تجاری و حقوقی شامل تمام خدماتی است که برای کارآفرینان و تشکیل شرکت‌های جدید

¹ Audretsch

² Storey

³ Keuschnig and Nielsen

⁴ Peterman & Kennedy

⁵ Nadkarni & Narayanan

ضروری است. این خدمات شامل در دسترس بودن تامین کنندگان، مشاوران و ارائه دهندگان خدمات مالی، و مشاوران حقوقی است که یک اکوسیستم را برای کارآفرینان فراهم می کنند. دسترسی به زیرساخت های فیزیکی مانند امکانات حمل و نقل، زمین، خدمات ارتباطی و مخابراتی، روند سرمایه گذاری را آسان می کند و در نتیجه فعالیت کارآفرینی را افزایش می دهد. در کنار این عوامل، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی معمولاً به عنوان محرک های فعالیت کارآفرینی در یک کشور ذکر می شوند. نگرش ملی تجلیل از ثروت کارآفرینانه، تمایل افراد را برای مشارکت در فعالیت های کارآفرینانه افزایش می دهد (رینالدز، ۲۰۱۲).

عوامل اقتصادی (محیط اقتصاد کلان، سیاست پولی، دسترسی شرکت های کوچک و متوسط به منابع مالی خارجی و مصرف جمعیت) نقش مهمی در شکل دهی کسب و کار دارند. طرفداران نظریه سمت تقاضا معتقدند رشد اقتصادی می تواند عامل کارآفرینی باشد. زیرا با رشد اقتصاد، دولت ها منابع کافی برای ایجاد اکوسیستم کارآفرینی را با معرفی و تأسیس نهادهای جدید، انگیزه های مالی و غیرمالی برای تقویت کارآفرینی در اختیار دارند. البته برخی به فرضیه خنثی بودن رشد اقتصادی بر کارآفرینی معتقدند و بیان می کنند که کارآفرینی و رشد اقتصادی ارتباطی با یکدیگر ندارند. دلیل مطرح شدن این فرضیه این است که اکوسیستم های کارآفرینی ضعیف، که گرفتار مقررات بیش از حد، فرآیند اداری طولانی و یا رانت جویی هستند، مانع اثرات مناسب رشد اقتصادی بر کارآفرینی می شوند (بون و دی کلارک، ۲۰۰۸).

توسعه و ادامه فعالیت های کسب و کارها تحت تاثیر محرک های داخلی و تصمیمات سیاست دولتی یا خصوصی قرار دارد. بنابراین در صورت تغییر شرایط اقتصادی از نظر رشد و تورم، و یا یک سیاست گذاری مثل هزینه های دولت در بخش آموزش یا سیاست پولی و اعتباری، فعالیت کارآفرینی نیز تحت تاثیر قرار می گیرد.

۲-۲. مطالعات پیشین

گریلی^۱ و همکاران (۲۰۱۸) استدلال می کنند که فعالیت سرمایه گذاری خطرپذیر به طور مثبت تحت تاثیر رشد تولید ناخالص داخلی است. بنابراین، رشد تولید ناخالص داخلی می تواند فعالیت سرمایه گذاری ریسک پذیر و در نتیجه کارآفرینی را تقویت کند. ایپینی^۲ و همکاران (۲۰۱۷) محرک های عملکرد شرکت ها را با استفاده از داده های تابلویی و مدل سازی چند متغیره بررسی کردند و دریافتند که رشد هر کسب و کاری چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم تحت تاثیر اقتصاد کلان است. آتو و فو^۳ (۲۰۱۵) یک نظرسنجی بر اساس نظریه منتخب کارآفرینی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که منابع و توانایی ها (از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه) بر کارآفرینی تأثیر منفی می گذارد. بکریس^۴ (۲۰۱۲) بر تأثیر مثبت یک محیط اقتصادی کلان بر کارایی کسب و کارهای کوچک تأکید می کند. بنابراین، کارآفرینی متاثر از شرایط اقتصادی از جمله مولفه های کلان اقتصادی است. به عنوان یکی از شرایط اقتصادی، سیاست پولی ممکن است بر کیفیت محیط کسب و کار تأثیر بگذارد. کادوسکا و فرانسوا^۵ (۲۰۱۶)

¹ Reynolds

² Bowen, & De Clercq

³ Grilli

⁴ Ipinaiye

⁵ Autio & Fu

⁶ Bekeris

⁷ Kadocsa & Francovics

یک نظرسنجی را در میان شرکت‌های کوچک و متوسط مجارستان انجام دادند و بررسی کردند که کدام عوامل کلان و خرد فعالیت تجاری کسب و کارهای کوچک و متوسط را حمایت یا محدود می‌کنند. بر اساس بررسی آنها، یک سیاست پولی قابل اعتماد به عنوان عاملی که بیشترین تأثیر را بر عملکرد کسب و کارها دارد، شناسایی شد. به طوری که سیاست پولی با گسترش فعالیت‌های تجاری، مشاغل را تشویق می‌کند. چاداری^۱ و همکاران (۲۰۱۸) رابطه بین نهادها و کارآفرینی با کیفیت را در میان اقتصادهای نوظهور در سراسر جهان بررسی کردند. بر اساس این مطالعه، اعتبارات در یک کشور (که به عنوان اعتبار داخلی به بخش خصوصی توسط بانک‌ها سنجیده می‌شود) بر کیفیت کارآفرینی تأثیر مثبت دارد.

در ایران برخی مطالعات در مورد عوامل موثر بر کارآفرینی انجام شده است. شاددل و دائی‌کریمزاده (۱۳۹۷) نقش عوامل کلان در فضای کسب و کار بنگاه‌های کوچک و متوسط حوزه سلامت را بررسی کردند. با جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی نتیجه گرفتند که عوامل مانند تغییرات سیاسی، سیاست‌های دولت در بازار دارو، ثبات نرخ ارز، ثبات قوانین و مقررات، مسایل زیست محیطی، قوانین تولید و توزیع دارو و تغییرات محیطی مشابه بر فضای کسب و کار صنعت دارو اثر می‌گذارد. بدراق نژاد و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تعامل درونزا بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و اشتغال در ۳۰ کشور منتخب نوظهور پرداختند. نتایج تجربی نشان می‌دهد که کارآفرینی با یک دوره وقفه، بر اشتغال اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین، بین فعالیت کارآفرینی و میزان اشتغال علت گرنجری دوطرفه وجود دارد، که بیانگر تعامل پویا بین کارآفرینی و اشتغال است. با این حال، ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی (و بالعکس) در کشورهای مورد بررسی معنادار نبوده است.

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش تعریف و تعیین میزان اثرگذاری عوامل اقتصادی مهمی است که کیفیت محیط کسب و کارهای کوچک و کارآفرین را شکل می‌دهند و بر میزان کارآفرینی اثر می‌گذارد. در این راستا، با استفاده از داده‌های کلان کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از یک مدل پانل اثر متغیرهای توضیحی بر کارآفرینی بررسی می‌شود. فرم خلاصه شده مدل اقتصادسنجی مورد بررسی را می‌توان به صورت زیر نوشت.

$$y_{i,t} = \alpha + \rho y_{i,t-1} + \beta x_{i,t} + \gamma z_{i,t} + \mu_i + \varepsilon_{i,t} \quad i = 1, 2, \dots, N, t = 2, 3, \dots, T \quad (1)$$

به طوری که $y_{i,t}$ و $y_{i,t-1}$ متغیر وابسته و متغیر وابسته باوقفه هستند، $x_{i,t}$ بردار متغیر توضیحی است، $z_{i,t}$ بردار متغیر کنترل است. $\mu_i + \varepsilon_{i,t}$ عبارت خطا را نشان می‌دهد، که شامل جمله اثرات ثابت غیرقابل مشاهده و جمله اخلاص تصادفی است.

در داده‌های پانل پویا، وقفه متغیر وابسته به عنوان یک متغیر مستقل در معادله وارد می‌شود که دلالت بر عواملی دارد که در مدل در نظر گرفته نشده‌اند. گنجاندن وقفه متغیرهای وابسته در مدل باعث کاهش درون‌زایی احتمالی می‌شود (آرلانو و باند^۲، ۱۹۹۱، بلوندل و باند^۳، ۱۹۹۸). در حالی که ممکن است بین متغیر توضیحی و جمله اخلاص تصادفی رابطه‌ای وجود داشته باشد، مدل پانل پویا می‌تواند تخمین پارامترهای بدون تورش را به دست آورد.

¹ Chowdhury

² Arellano and Bond

³ Blundell and Bond

مدل را می‌توان با استفاده از برآوردگر GMM^1 تخمین زد، که توسط آن برخی از مشکلات اقتصادسنجی مانند اثرات مشاهده نشده خاص کشور، همبستگی سریالی، درون‌زایی متغیرهای کنترلی، ناهمسانی و شناسایی را می‌توان حل کرد (رودمن^۲، ۲۰۰۹). تخمین GMM ممکن است از تبدیل تفاضل مرتبه اول یا دوم معروف به برآوردگر GMM یک مرحله‌ای یا دومرحله‌ای استفاده کند. آرلانو و باند پیشنهاد کردند که اثرات مشاهده نشده (μ_i) از طریق اولین تبدیل تفاضلی به شرح زیر حذف خواهند شد:

$$\Delta y_{i,t} = \rho \Delta y_{i,t-1} + \beta \Delta x_{i,t} + \gamma \Delta z_{i,t} + \Delta \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

به طوری که Δ نشان دهنده تفاضل مرتبه اول است.

برای بررسی سازگاری تخمین GMM از دو آزمون شامل آزمون سارگان و آزمون همبستگی آرلانو-باند استفاده می‌شود. آزمون سارگان آزمونی برای سنجش اعتبار ابزارها است. آزمون خودهمبستگی آرلانو-باند (آزمون AR) باقیمانده‌ها را از نظر عدم وجود خودهمبستگی مرتبه دوم بررسی می‌کند (آرلانو و باند، ۱۹۹۱).

چهار گروه از عوامل اقتصادی در تحقیق با استفاده از عبارات زیر تعریف شدند:

عوامل محیط کلان اقتصادی شامل رشد اقتصادی و تورم، عوامل نهادی شامل سیاست هزینه‌ای دولت در بخش آموزش، عوامل سیاستی شامل سیاست پولی و نرخ بهره، عوامل حمایتی تامین مالی شامل دسترسی به اعتبارات. در تدوین این مقاله، پنج فرضیه زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

H1: رشد اقتصادی به عنوان یکی از عوامل محیط کلان اقتصادی بر کارآفرینی اثرگذار است.

H2: تورم به عنوان یکی از عوامل محیط کلان اقتصادی بر کارآفرینی اثرگذار است.

H3: هزینه‌های دولت در بخش آموزش به عنوان عاملی نهادی بر کارآفرینی اثرگذار است.

H4: سیاست پولی و نرخ بهره به عنوان عوامل سیاستی بر کارآفرینی اثرگذار است.

H5: سیاست اعتباری از طریق تامین مالی و دسترسی به اعتبارات بر کارآفرینی اثرگذار است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به هدف تعریف شده، بر اساس داده‌های ۲۰ کشور در سطح جهانی طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ روابط همبستگی بررسی می‌شود. کشورهای منتخب کشورهای رو به رشد با درآمد سرانه متوسط و پایین هستند. ویژگی این کشورها این است که سطح توسعه اقتصادی آنها در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته کمتر است. همچنین، این کشورها پتانسیل رشد بالایی را در بر دارند. در این نوع اقتصادها معمولاً نهادهای حمایت‌کننده بازارها از جمله بازار سرمایه، بازار کار و سیستم‌های قانونی نسبتاً توسعه‌نیافته هستند. در این پژوهش متغیر استفاده شده به عنوان معیار کارآفرینی بر اساس داده‌های سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) معیار کل فعالیت کارآفرینی در مراحل اولیه (TEA)^۳ مورد استفاده قرار گرفته است. این شاخص درصد جمعیت ۱۸ تا ۶۴ ساله‌ای

1 Generalized Method of Moments

2 Roodman

3 Total early-stage Entrepreneurial Activity

است که یا یک کارآفرین تازه‌کار یا صاحب یک کسب‌وکار هستند. سایر متغیرهای تحقیق از داده‌های بانک جهانی^۱ (۲۰۲۲) بدست آمده است.

در این مطالعه متغیرهای مورد استفاده به جز متغیرهایی که به صورت نرخ بیان شده‌اند، به صورت لگاریتمی بوده است. متغیرهای تحقیق به صورت زیر معرفی می‌گردند:

GDPG: نرخ رشد اقتصادی، GC: هزینه‌های دولت در بخش آموزش (به صورت درصدی از GDP)، Credit: حجم تسهیلات اعطایی بانکی، IR: نرخ بهره، INF: نرخ تورم، و TEA: شاخص کارآفرینی است. جدول (۱) آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول (۱). آمارهای توصیفی متغیرهای مورد استفاده در الگو

آمارهای توصیفی	رشد اقتصادی	شاخص کارآفرینی	تورم	مخارج دولت در آموزش	اعتبارات بانکی	نرخ بهره
میانگین	۳.۳۳	۳۱.۵۸	۵.۷۱	۴.۴۷	۷۶.۲۸	۶.۹۵
میان	۳.۰۹	۱۵.۸۶	۳.۹۱	۴.۴۷	۵۷.۲۲	۳.۹۱
انحراف معیار	۳.۱۳	۱۲۴.۲	۶.۳۰	۰.۸۷	۴۷.۳۰	۱۱.۷۰
ضریب چولگی	۰.۰۶	۸.۰۳	۲.۲۴	۰.۲۹	۰.۶۳	۱.۲۹
ضریب کشیدگی	۲.۷۹	۶۵.۷۱	۱۲.۸۳	۱۲.۸۳	۱.۹۱	۴.۹۳

روش‌های معمول اقتصادسنجی مبتنی بر فرض پایایی متغیرها می‌باشد. جدول (۲) نتایج آزمون ریشه واحد لوین و همکاران را برای متغیرهای مدل گزارش می‌دهد. با توجه به سطوح معناداری، نتایج نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح پایا هستند.

جدول (۲). بررسی پایایی متغیرهای مدل تحقیق

وضعیت پایایی	آزمون LLC	متغیرها
	آماره آزمون در سطح متغیرها	
I(0)	-۱.۸۹	GDPG
I(0)	-۳.۴۲	INF
I(0)	-۶.۳۳	IR
I(0)	-۴.۳۴	GC
I(0)	-۲.۷۸	CREDIT
I(0)	-۶.۸۷	TEA

منبع: نتایج تحقیق

۴-۲. تحلیل رگرسیون

از برآوردگر دومرحله‌ای GMM برای تخمین مدل و بررسی رابطه بین متغیرها استفاده شده است. دو متغیر نرخ بهره و میزان اعتبارات اعطایی بانکی برای بررسی اثر سیاست پولی و اعتباری در نظر گرفته شده است. به دلیل وجود همخطی بین دو متغیر

¹ The World Bank

مذکور دو مدل مجزا برآورد شده است. نتایج بدست آمده در جدول ۳ و ۴ نشان داده شده است. متغیر با وقفه شاخص کارآفرینی اثر معنی دار ولی منفی بر شاخص مذکور دارد. در واقع می توان بیان کرد میزان کارآفرینی در هر دوره تحت تاثیر مثبت دوره های قبلی قرار نمی گیرد. علاوه بر این، این ضریب می تواند به سایر عواملی دلالت کند که در مدل لحاظ نشده اند و دارای اثر منفی بر شاخص کارآفرینی هستند.

بر اساس نتایج، شاخص رشد اقتصادی اثر معنی داری بر کارآفرینی ندارد. این مطابق با نتایج مطالعات والیر و پترسون^۱ (۲۰۰۹) است. در توضیح این رابطه می توان گفت شرایط اقتصاد کلان از نظر رشد اقتصادی در دوره مورد مطالعه تغییر چندانی نداشته و احتمالاً کارآفرینی تحت تأثیر سایر عوامل غالب قرار گرفته است.

نرخ تورم اثر مثبت اما کوچکی بر شاخص کارآفرینی دارد. اگر چه تورم از یک طرف باعث افزایش هزینه ها می شود و ممکن است عدم اطمینان به فضای اقتصادی را دربرداشته باشد، از طرف دیگر به دلیل اینکه بر افزایش تقاضا و رونق اقتصاد دلالت دارد می تواند اثر مثبت بر فضای کسب و کار و فعالیت اقتصادی بر جای گذارد.

هزینه های دولت در بخش آموزش بیشترین اثر را بر شاخص کارآفرینی دارد. پس از آن میزان اعتبارات اعطایی بانکی دارای ضریب بزرگتری نسبت به سایر متغیرها است و به عوان عامل مهم مثبت و اثرگذار بر کارآفرینی مطرح است. سیاست دولت در حوزه آموزش که به صورت مخارج دولت بیان شده است در آموزش کارآفرینی به توسعه و پذیرش کارآفرینی به عنوان یک گزینه شغلی کمک می کند و موجب شناسایی و بهره برداری از فرصت ها و تقویت فعالیت کارآفرینی می شود.

در مدل اول که اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به عنوان یک متغیر اثرگذار در نظر گرفته شده است، رابطه مثبت و معنی دار و قابل ملاحظه ای با شاخص کارآفرینی نشان می دهد. بعد از عامل هزینه های دولت، میزان اعتبارات بانکی دومین عامل مهم و موثر بر شاخص کارآفرینی است. در مدل دیگر به جای اعتبارات متغیر نرخ بهره به عنوان متغیر دیگر سیاست پولی و اعتباری قرار گرفت. نتایج این مدل نشان می دهد نرخ بهره و به عبارت دیگر نرخ سود تسهیلات بانکی اثر مثبت بر شاخص کارآفرینی دارد. قابل ذکر است که افزایش این نرخ از جنبه سرمایه گذار و متقاضی تسهیلات برای فعالیت کارآفرینی نامناسب است. اما افزایش این نرخ موجب افزایش تمایل سیستم بانکی در ارائه تسهیلات می شود که در نتیجه افزایش اعتبارات اعطایی به مشاغل را دربرخواهد داشت و از طریق این کانال اثر مثبت بر شاخص کارآفرینی دارد.

در مقایسه اثر نرخ سود تسهیلات و حجم اعتبارات نیز مشخص است که میزان اعتبارات اثر بیشتری بر شاخص کارآفرینی دارد و می توان گفت سیاست های اعتباری نسبت به سیاست پولی تاثیر بیشتری بر فعالیت های کارآفرینی دارد. البته در ادبیات نظری و مطالعات پیشین نیز به تأمین مالی به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل در شروع و موفقیت فعالیت های نوآورانه اشاره شده است.

¹ Valliere & Peterson

جدول (۳): نتایج برآورد مدل اول

نام متغیر	ضرایب برآورد شده	آماره t
TEA(-1)	-0.09^*	-۱۳/۶۶
GDPG	-0.006	-۰/۳۷
INF	0.02^*	۲/۵
GC	1.09^*	۳/۵۳
Credit	0.36^*	۱/۹۵
C	-15.8^*	-۳/۵۲
$AR(1)=4.21(0.00)^*$ $AR(2)=0.79(0.42)$ $J-Statistics=29.63(0.33)$		

* معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵٪ را نشان می‌دهد. منبع: نتایج تحقیق

با بررسی سازگاری تخمین GMM، آمار J نشان می‌دهد که فرضیه صفر محدودیت‌های بیش از حد شناسایی رد نمی‌شود و ابزارها معتبر هستند. همچنین، آزمون خودهمبستگی آرانو-باند بررسی شده است و ثابت می‌شود که $AR(1)$ وجود همبستگی مرتبه اول را در هر دو مدل نشان می‌دهد. علاوه بر این، فرضیه صفر برای $AR(2)$ با توجه به مقادیر سطح اطمینان رد نمی‌شود، به این معنی که همبستگی مرتبه دوم وجود ندارد. فقدان همبستگی سریالی به این معنی است که مقادیر وقفه متغیر توضیحی را می‌توان به عنوان متغیرهای ابزاری استفاده کرد. در مجموع، این آزمون‌ها نشان‌دهنده ثبات و سازگاری تخمین GMM است.

جدول (۴): نتایج برآورد مدل دوم

نام متغیر	ضرایب برآورد شده	آماره t
TEA(-1)	-0.11^*	-۲۹.۱۸
GDPG	0.01	۰.۹۹
INF	0.04^*	۴.۷۵
GC	0.98^*	۵.۲۴
IR	0.02^*	۴.۷۶
C	-10.1^*	-۳.۶۱
$AR(1)=3.65(0.03)^*$ $AR(2)=1.04(0.29)$ $J-Statistics=38.61(0.44)$		

* معنی‌داری در سطح اطمینان ۹۵٪ را نشان می‌دهد. منبع: نتایج تحقیق

نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی عوامل اقتصادی مهمی است که بر فعالیت کسب و کارهای کارآفرین اثرگذار هستند. به منظور برنامه ریزی بهتر و آمادگی بیشتر کسب و کارها جهت مواجهه با عوامل کلان مناسب است آثار محیط اقتصاد کلان بررسی شود. در این راستا سیاست های دولت در تعیین اهداف رشد و حمایت از مشاغل و نیز سیاست های مالی و سیاست پولی و اعتباری می تواند نقش مهمی در فعالیت های اقتصادی، و مدیریت کسب و کارها داشته باشد. بنابراین، در این مطالعه تغییر برخی شرایط اقتصادی مانند، رشد اقتصادی، تورم، هزینه های دولت در بخش آموزش، نرخ سود تسهیلات و حجم تسهیلات اعطایی مد نظر قرار گرفته است. در این راستا، با استفاده از داده های پانل، تأثیر هر یک از متغیرهای مذکور بر شاخص کارآفرینی بررسی شده است. دوره زمانی مورد بررسی در این تحقیق سال های ۲۰۰۹-۲۰۱۹ است.

نتایج این تحقیق نشان می دهد که فضای اقتصادی مطلوب از نظر رشد اقتصادی اثر معنی داری بر کارآفرینی ندارد. در حالی که کارآفرینان در ارزیابی اهمیت سیاست های اعتباری در فراهم بودن منابع مالی دیدگاه مثبتی را از خود نشان می دهند. همچنین، سیاست پولی انبساطی که تورم را در بر دارد توسط کارآفرینان نسبتاً مثبت تلقی می شود. می توان فرض کرد که کارآفرینان مزایای افزایش نقدینگی و تقاضا و وجود تورم را به مزایای کاهش هزینه های خود ترجیح می دهند. بنابراین، در فرآیند ایجاد رونق فعالیت ها و توسعه کسب و کارها اعمال سیاست های مالی و پولی انبساطی می تواند مدنظر قرار گیرد. بر اساس نتایج تحقیق، آموزش و آموزش کارآفرینی به عنوان عاملی مهم مطرح است و دولت با سیاست خود در این بخش و افزایش مخارج حوزه آموزش می تواند بیشترین تأثیر را در کارآفرینی بر جا گذارد. بر اساس نتایج، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر تداوم فعالیت و کسب و کارها، اعتبارات بانکی است که از طریق فراهم سازی فرصت های سرمایه گذاری برای تولیدکنندگان، زمینه توسعه و ایجاد فرصت های شغلی را فراهم می سازد. البته لازم به ذکر است که کارایی نظام پولی و مالی هر کشور و نحوه مدیریت مالی واحدهای اقتصادی موجود، شرط لازم و کافی برای دستیابی به این آثار مثبت اقتصادی است، که در صورت نبود آنها، اثرات مطلوب و مورد انتظار بر جای نخواهد ماند. محیط کسب و کار سیستم پیچیده ای از عوامل مختلف در داخل و خارج از حوزه اقتصادی است. این عوامل را نمی توان به راحتی و به طور قطعی مشخص کرد و می توان فرض کرد که نتایج تا حدی به ساختار تحقیق بستگی دارد. شرایط کسب و کار نه تنها توسط عوامل اقتصادی، بلکه توسط عوامل سیاسی، نهادی، قانونی و فرهنگی تعیین می شود که می توانند اثر مثبت بر کارآفرینی داشته باشد. پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج این تحقیق پیشنهاد می شود:

- شرایط اقتصادی در مبنای نظری به عنوان عاملی مفید و موثر بر کارآفرینی مطرح شده است. اما تا زمانی که اکوسیستم کارآفرینی به خوبی تقویت نشده باشد این ارتباط به طور صحیح عمل نخواهد کرد. دولت ها باید سیاست هایی را اتخاذ کنند که کارآفرینان را در مورد پتانسیل اقتصادی هر بخش و منطقه آگاه سازد و بر مبنای آن نوآوری و کسب و کارهای جدید مورد تشویق گیرد.

- با توجه به نقش مثبت مخارج دولت در زمینه آموزش در بهبود کارآفرینی، مناسب است بر اساس پتانسیل گروه های مختلف هدف، آموزش کارآفرینی به طور تخصصی تر توسعه یابد.

- با توجه به اهمیت اعتبارات و تامین مالی کسب‌وکارها پیشنهاد می‌گردد دولت‌ها با پرداختن به شرایط چارچوب اساسی خود برای تامین مالی کارآفرینی و اقتصادی، مانند دسترسی آسان به منابع مالی، تامین مالی کم‌هزینه شرایط ورود به فضای کسب‌وکار را تسهیل نمایند. همچنین مفید خواهد بود که دولت به کارآفرینان بالقوه ضمانت‌ها، تسهیلات و شرایطی را در نظر بگیرد که جذب سرمایه‌گذاری را برای آنها آسان‌تر سازد.



منابع

بدراق نژاد، علی، محمدی خیاره، محسن و ادبی فیروزجایی، باقر. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و اشتغال، رویکرد خودرگرسیون برداری پانل، مدل سازی اقتصادسنجی، ۷(۱)، ۱۲۳-۱۵۳.

هادی شاددل، سعید دائی کریمزاده. (۱۳۹۷). نقش عوامل کلان اقتصادی در فضای کسب و کار بنگاه های کوچک و متوسط بخش سلامت استان اصفهان بر اساس مدل PESTEL (مطالعه موردی: صنعت دارو). تحقیقات نظام سلامت، ۱۴ (۱): ۶۱-۵۶.

References

Acs, Z. J., & Mueller, P. (2008), Employment effects of business dynamics: Mice, gazelles and elephants, *Small Business Economics*, 30(1): 85-100.

Acs, Z. J., Desai, S., & Hessels, J. (2008). Entrepreneurship, economic development and institutions. *Small business economics*, 31(3), 219-234.

Adeyeye, M. (2018). A Fundamental Approach to Entrepreneurship, Small and Medium Scale Enterprises Second Edition, Ibadan: Evi-Coleman and Co. Publishing House.

Arellano, M. and Bond, S. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *The Review of Economic Studies*, 58(2): 277-297.

Audretsch, D. B., Grilo, I., & Thurik, A. R. (2007). *Explaining entrepreneurship and the role of policy: a framework*. The handbook of research on entrepreneurship policy, 5, 1-17.

Autio, E., & Fu, K. (2015). Economic and political institutions and entry into formal and informal entrepreneurship. *Asia Pacific Journal of Management*, 32(1), 67-94.

Badraghnezad, A., Mohammadi Khyareh, M., Adabi Firouzjaee, B. (2022). Investigating the relationship between entrepreneurship, economic growth and employment; panel VAR approach. *Journal of Econometric Modelling*, 7(1), 123-153. (In Persian)

Bekeris, R. (2012). The impact of macro-economic indicators upon SME's profitability. *Ekonomika*, 91(3), 117-128.

Blundell, R. and Bond, S. (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of Econometrics* 87(1): 115-143.

Bowen, H. P. & De Clercq, D. (2008), Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort, *Journal of International Business Studies*, 39(4): 747-767.

Cao, Z. & Shi, X. (2021). A systematic literature review of entrepreneurial ecosystems in advanced and emerging economies, *Small Business Economics*, 57(1): 75-110.

- Carree, M. A. & Thurik, A. R. (2010). The impact of entrepreneurship on economic growth, *Handbook of entrepreneurship research*, 557–594.
- Chládková, H. (2015). Selected approaches to the business environment evaluation, *Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 63(2), 513-523.
- Choo, S., & Wong, M. (2006). Entrepreneurial intention: triggers and barriers to new venture creations in Singapore, *Singapore management review*, 28(2), 47.
- Chowdhury, F., Audretsch, D. B., & Belitski, M. (2018). Institutions and Entrepreneurship Quality, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 1-31.
- Czarniewski, S. (2016). Small and Medium-Sized Enterprises in the Context of Innovation and Entrepreneurship in the Economy, *Polish Journal of Management Studies*, 13(1), 30-39.
- Domańska, A., & Zajkowski, R. (2018). Influence of state participation on business conditions and entrepreneurship in the EU countries of the former eastern bloc, *Financial Internet Quarterly e-Finance*, 14(2), 9-17.
- Grilli, L., Mrkajic, B., & Latifi, G. (2018). Venture capital in Europe: social capital, formal institutions and mediation effects, *Small Business Economics*, 51(2), 393-410.
- Ipinnaiye, O., Dineen, D., & Lenihan, H. (2017). Drivers of SME performance: a holistic and multivariate approach, *Small Business Economics*, 48(4), 883-911.
- Kadocsa, G., & Francsovcics, A. (2011). Macro and micro economic factors of small enterprise competitiveness, *Acta Polytechnica Hungarica*, 8(1), 23-40.
- Keuschnigg, C., & Nielsen, S. B. (2004). Startups, venture capitalists, and the capital gains tax, *Journal of Public Economics*, 88(5), 1011-1042.
- Leibenstein, H. (1968). Entrepreneurship and development, *The American economic review*, 58(2), 72-83.
- Nadkarni, S., & Narayanan, V. K. (2007). Strategic schemas, strategic flexibility, and firm performance: The moderating role of industry clock speed, *Strategic management journal*, 28(3), 243-270.
- Peterman, N. E., & Kennedy, J. (2003). Enterprise education: Influencing students' perceptions of entrepreneurship, *Entrepreneurship theory and practice*, 28(2), 129-144.
- Prince, S., Chapman, S. & Cassey, P. (2021). The definition of entrepreneurship: is it less complex than we think? *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 27(9)

Reynolds, P. D. (2012). Entrepreneurship in developing economies: The bottom billions and business creation, *Foundations and Trends® in Entrepreneurship*, 8(3), 141-277.

Reynolds, P., Bosma, N., Autio, E. (2005). Global Entrepreneurship Monitor: Data Collection Design and Implementation 1998–2003, *Small Bus Econ* 24, 205–231.

Robertson, M., Collins, A., Medeira, N., & Slater, J. (2003). *Barriers to start-up and their effect on aspirant entrepreneurs*. Education Training, 45(6), 308-316.

Roodman, D. (2009). A Note on the Theme of Too Many Instruments, *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 71(1): 135-158.

Shaddel H, Daei-Karimzadeh S. The Role of Macroeconomic Factors in the Business Environment of Small and Medium Enterprises in the Health Sector of Isfahan Province, Iran, Based on the PESTEL Model (Case Study: Medicine Industry), *Health system research*. 2018; 14 (1):56-61. (In Persian)

Shane, S. (2008). The illusions of entrepreneurship: *The costly myths that entrepreneurs, investors, and policy makers live by*. New Haven, CT and London: Yale University Press.

Sobel, R. S. (2008). Testing Baumol: Institutional quality and the productivity of entrepreneurship, *Journal of Business Venturing*, 23(6), 641-655.

Storey, D. J. (2003). Entrepreneurship, small and medium sized enterprises and public policies Handbook of entrepreneurship.

The World Bank. (2022). World Development Indicators.

Valliere, D. & Peterson, R. (2009), Entrepreneurship and economic growth: Evidence from emerging and developed countries, *Entrepreneurship & Regional Development*, 21(5): 459–480.

Virglerova, Z., Homolka, L., Smrčka, L., Lazányi, K., & Klieštík, T. (2017). Key determinants of the quality of business environment of SMEs in the Czech Republic, *E & M Ekonomie a Management*, 20(2), 87-100.

Wennekers, S., Van Wennekers, A., Thurik, R. & Reynolds, P. (2008). Nascent entrepreneurship and the level of economic development, *Small business economics*, 24(3): 293–309.